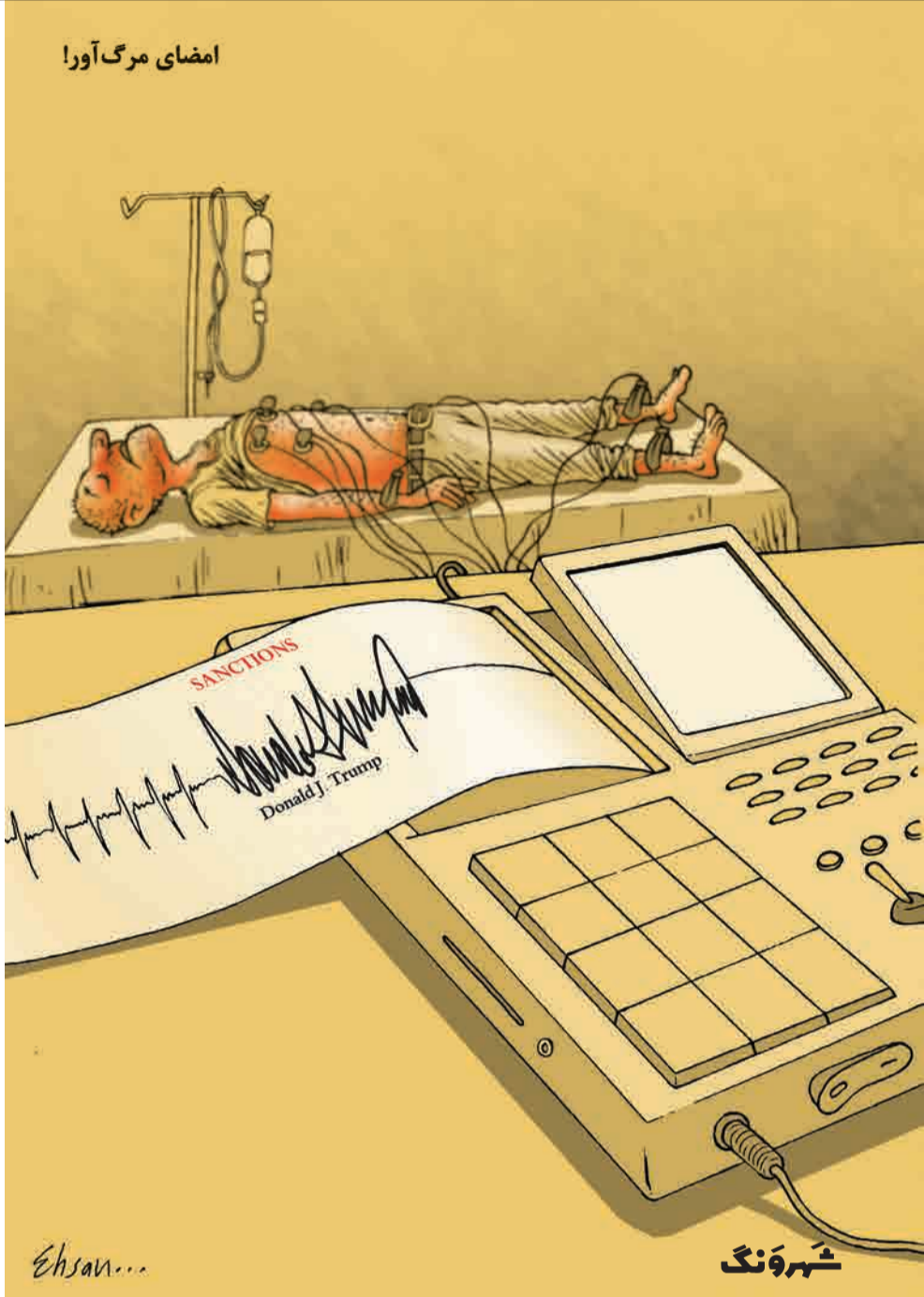


**تماشاخانه**

احسان گنجی | کارتون‌نویست | ehsanganj158@gmail.com



پیراگتفر: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟  
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هفتصد و چهل و سوم



در بین ۱۰ شهر آلوده جهان نامی از تهران و دیگر کلانشهرهای ایران نیست

# مسئولین: شرمنده کوتاهی از ما بوده!

رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال: اینبانی که بلد نیستند ما رو به صدر فهرست برسوند، واسه چی انتقاد می کنند؟!  
تهران: سعی می کنیم توی آمارهای دیگه جبران کنیم!  
مردم: یعنی اونا چی تنفس می کنند که ما نمی کنیم؟!  
مومیایی: این قبر بغلی ها، همه شون به علت آلودگی هوا مژندند!  
#اول\_نشدمیم #اون\_ده\_تا\_را\_به\_ما\_نشان\_یده #شهر ونگ

**گریز از نوروژ**

**آن قدر باشد حقوقم مختصر که ندارم طاقت میهمان دگر کاغذی من می زخم بر روی در می نویسم روی آن: ر فتم سفر!**

ارمغان زمان فشمی #شهر ونگ

**زیر گذر**  
بریان تری فری شور | آرمین جمالی | همیشه دم عید، دو تا از این شهروندان خوش صدای فرش شور، فریاد زنان پیداشون میشه. ساعت شیش صبح دیدم دو تا مرد با کاپشن قهوه‌ای و سیبل و کتونی سفید و شلوار پارچه‌ای دارن جلوی پنجره داد میزنن. به در خواست مامانم رفتم قیمت شست و شوی دوتا فرش بگیرم، می گفت: «صد هزار تومن»، گفتم: «چه خبره»، گفت: «وضع خرابه من تازه قیمت قدیم گفتم». به دیوار گرام در آورد گفت: «ببین وقتی inflation میره بالا روند نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد اتفاق میوفته، هر چند نظریه‌ها مختلفه، اما نرخ تورم با انفلاسیون با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف کننده است اتفاق میوفته»، لپمو کشید گفت: «تازه کینز تلاش می کرد که میان «شبه تورم» و «تورم مطلق» یا واقعی تفاوت قابل شود». گفتم: «ببخشید شما؟» گفت: «بندید بریان اسنودن نویسنده کتاب اقتصاد کلان مدرن، اینم رفیقمه بریان تریسی، کتاب راهبردهای رشد اقتصادی (ضد حمله) رو طراحی کرده»، همون لحظه شماره یکی از مسئولین اقتصاد رو پیدا کردم بهشون دادم، پارو روز دشتش گرفتم خودم رفتم تو کچه‌ها دادم فرش می شورم، تازه فهمیدم هیچ کس سر جای خودش نیست.

**شهر فرنگ** | علی جهانشاهی | کارتون‌نویست



منبع: صفحه فیسبوک هنرمند

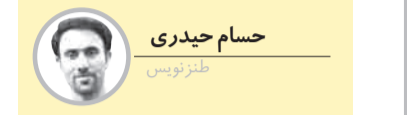
**فلکه اول**  
شهرستانی‌های گوگل می! | شهاب نویی | هفته تخیلی این جانب در حالی به پایان می رسد که رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال گفته است این جوانانی که در روز است از شهرستان آمده‌اند و هنوز خیابان‌های تهران را بلند نیستند، واسه چی پشت سر مسئولان حرف می‌زنند؟ در این جا لازم است خدمت این بزرگوار عرض کنم که اگر به بلد بودن تهران باشد، گوگل می بهتر از همه ما تهران را بلد است. پس هفته‌ای یک بار دعوتش کنیم صداوسیما و پسی انتقادات و درد دل هایش بنشینیم. در ضمن به کمک اپلیکیشن ویز همه دیگر همه جا را بلد هستند. امیدوارم یک نفر ایشان را با تکنولوژی‌های جدید آشنا کند؛ چون اصل حرف‌شان را

**روزنوشته‌های برزو**

**جنزده**  
برزو | طنز نویس | شده و هر چی می خوام وظایفش رو بهش یادآوری کنم، فقط می‌گه هیس. هیس و زهرمار. خیکی! انکار متوجه نیستی با کی داری حرف می‌زنی؟ فکر کن مثلاً مسئول توالت عمومی به جای این که زمین رو تی بکشه، بشینه فیلم ببینه و هی به مردم بگه هیس! وقتشه از پشت سرش بیرم روی مبل که نیم‌متر بیره هوا. فیلم رسیده به اونجایی که اشیای آشپزخونه دارن خود به خود جابه‌جا میشن. صندلی راه میره، چاقوها پرواز می‌کنن، در یخچال باز و بسته میشه. یعنی درست رسیده به نقطه اتصال حماقت بشری و سوررئالیسم. نفس‌های استاد هم تند شده.  
دیگه وقتشه برم بشینم جلوی تلویزیون و زل بزنم به گوشه سقف، چند ثانیه همین‌طور الکی خیره می‌مونم به کنج سقف و دیوار و دو سه بار دندونامو نشون می‌دم تا آقا بگیره داستانتان رو. با صدای لرزون می‌گه چی می‌بینی اونجا باباجان؟ آها، حالا شد. حالا بشین تا بفهمی چی دارم می‌بینم اون بالا. خودت چه حدسی می‌زنی رفیق؟ ترسناک‌ترینش رو تصور کن، همون رو دارم تماشا می‌کنم. همونی که امشب می‌خواد موقع خواب بیاد بیفته

**شهر زیبا**

برای احسان علیخانی صندلی بخريد



این روزها تلویزیون در حال آماده کردن برنامه‌های نوروزی است. خبر رسیده که ویژه‌نامه تحویل سال شبکه سه مثل سال‌های گذشته به احسان علیخانی رسیده. خیلی هم عالی فقط در خواستی که از طراحان دکور برنامه داریم این است که یک صندلی هم برای این احسان بنده خدا تعبیه کنند که بنشینند و برنامه‌اش را اجرا کند. بنده خدا دیسکش زد بیرون از بس هم‌هاش ایستاد و اجرا کرد. حالا خودش هیچ حداقل برای میهمان‌ها یک فکری بکنید. به خدا اگر تو یک برنامه‌ای مجری ایستاده باشی، ما با خودمون نمی‌گوییم: «ایول مجریش ایستاده، بریم برنامه‌اش رو ببینیم». با مجری‌های این مرز و بوم مهربان تر باشید. نکته بعدی هم این که تو رو خدا چند دقیقه وقت برای حرف زدن میهمان‌ها در نظر بگیرید. این که یک سلبریتی بیاید و سلام و علیک کند و عید نوروز را به لهجه شیرین خودش به ما تبریک بگوید و سرود چیز جذابی نیست. حالا از این که سلبریتی هم کلا چیز جذابی نیست، بگذریم.  
خبر دیگر این که یکی از برنامه‌های در حال تهیه برای روزهای عید، مستندی آمریکایی است در مورد مضرات گوشت که دوستان در حال دوبله آن هستند. البته نکته عجیبش اینجاست که در کشور فقیر و نابودی مثل آمریکا مگر گوشت وجود دارد که حالا در مورد مضراتش هم مستند بسازند؟ بعدش هم این که به نظر مستندی در مورد مضرات مصرف آجیل با این موضوع که «خودچی هم مثل پسته است الکی فرق نگذارید» برای عید خیلی مناسب تر است. البته برای عید موضوع زیاد است، مثلاً در مورد مضرات سوال پرسیدن از دختران و پسران مجرد در مورد زمان ازدواجشان می‌شود یک فیلم مستند خوب ساخت و در آن نشان داد کسی که این سوالات را می‌پرسد چطور به انواع سرطان دچار شده و پس از مدتی با مرگ ناچوار از دنیا می‌رود.  
خبر بین‌المللی هم این که جناب جانی دپ از همسر سابقش خانم امیر هرد شکایت کرده و درخواست غرامت ۵۰ میلیون دلاری داده است. ماهر چقدر توانی ترنت اسم این دو عزیز را سرچ می‌کنیم، حق را به خانم امیر هرد می‌دهیم، ولی در کل این همه جنگ و دعوا خوب نیست. خانم امیر هرد هم باید برود از همان خانمی که ما تو تلویزیون نشان دادیم که ۲۷ بار از شوهرش کتک خورده بود، ولی باز هم داشت به زندگی مشترکش ادامه می‌داد، یاد بگیرد و خودش برگردد سر خانه و زندگی‌اش. اگر این به اصطلاح سلبریتی‌های آمریکایی تلویزیون ایران را نگاه می‌کردند، به این همه بدبختی و فلاکت دچار نمی‌شدند.  
یک خبر دیگری که این روزها خیلی صدا کرده، ولی از نظر من خیلی هم مهم نیست، این ماجرای جابه‌جاشدن آرای رای گیری جشنواره جام جم صداوسیماست. حالا مثلاً مقداری رای از یک برنامه رفته یک برنامه دیگر، اتفاق خاصی نیفتاده که همه رای‌هایی که رفته برای برنامه‌های صداوسیماست. حالا خودش دوست داشته چهار تا از این برنامه بردارد و بریزد رو رای‌های یک برنامه دیگر. فکر کنم دلش رای‌بازی می‌خواست.